

مفهوم ثالث و نقش بیمه در تحول حقوق ایران

دکتر جانمعلی محمودصالحی^(۱)

چکیده

تبدیل و تحول «شرط به سود ثالث» سالها در حقوق ما جنبه استثنایی داشت ولی پس از تصویب قانون بیمه (۱۳۱۶) با پذیرش بیمه مسؤولیت حقوقی (مدنی) و بیمه عمر به سود ثالث (استفاده کنندگان)، از حالت فرعی و استثنایی به درآمد و به صورت ضابطه و قاعده‌ای عام در حقوق ما ظاهر شد که منشأ تحولی شایسته در حقوق ایران است (قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی در مقابل اشخاص ثالث، مصوب دی - ۱۳۴۷)

تبدیل شرط استثنایی به قاعده حقوقی عام، زیر تأثیر تغییر و تحول شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور صورت گرفته و از حقوق مدرن، وارد حقوق سنتی ما شده است. فشرده آن که تحول مفهوم ثالث که مدیون بیمه است، نه تنها موجب تحول در حقوق ایران شده، بلکه موجب ارتقای «فرهنگ بیمه»، توسعه تأمین و حمایت از حقوق زیان دیدگان (گسترش عدالت) و توسعه بازار بیمه کشور نیز شده است.

واژگان کلیدی

ثالث، مسؤولیت مدنی، فرهنگ بیمه، توسعه بازار، نظریه‌های زیرساختی، تعهد به سود ثالث

۱. حقوقدان، پژوهشگر بیمه و مدیر گروه آموزشی مدیریت بیمه دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

مقدمه

واژه «ثالث» که در حقوق ما پیشینه چندان شناخته شده‌ای ندارد، پس از تصویب و اجرای «قانون بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» (معروف به بیمه شخص ثالث) بر سر زبانها افتاد و کنجکاوی مردم را در زمینه بیمه افزون کرد. در واقع هر کس از خود یا از بیمه‌گران و بیمه‌گستران می‌پرسید که «شخص ثالث» چه معنا دارد؟ و شخص نخست و دوم آن کیانند؟ گرچه این اصطلاح به تدریج جا افتاده است ولی شمار کسانی که معنا و مفهوم و مصداق آن را به دقت و درستی و روشنی بدانند، اندک نیستند.

به همین جهت برای کاستن از ابهامها و افزایش روشنگری‌ها در زمینه مسائل بیمه‌ای و حقوقی (حقوق بیمه)، فرصت مناسبی دست داد تا بر پایه مختصر دانش حقوقی و فقهی و تجربه‌های طولانی خود در زمینه مسائل بیمه‌ای، مطالبی را، نه به عنوان حجت و آخرین سخن، که به عنوان دست مایه و دستاویزی برای گشودن بحث و بررسی بیشتر در این زمینه و یاری رسانی به حقوق‌گزاری و دادگری و جبران خسارت واقعی اشخاص زیان دیده، در فصلنامه صنعت بیمه مطرح کنم.

ثالث از نظر واژگانی

ثالث به معنای سوم (عدد ترتیبی) شخص سوم (جز گیرنده و شنونده)، آن که نه مدعی و نه مدعی علیه است و دعوی ما به الادعا کند (فرهنگ معین، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۲) در فرهنگ گرانسنگ استاد دهخدا، نیز معنایی همچون: سوم، شخص خارجی، هر راز که ثالثی در آن محرم نشود هر آینه از اشاعت مصون ماند (کلیله)، شخص ثالث در مراجعات (اصطلاح عدلیه = دادگستری)، مشاهده می‌شود. در زبانهای خارجی مانند انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز واژه شخص ثالث یا ثالث، معنای زیر را دارد:

شخص سوم، سومی، یک خارجی، ثالث داور، داور سوم یا سر داور، ثالث حامل برگها و براتهای تجارته مانند چک، سفته و برات (حقوق تجارت)، جهان سوم (کشورهای بی طرف عضو جهان سوم، کشورهای غیر وابسته به بلوک غرب و شرق سابق) کشورهای فقیر و عقب مانده یا در حال توسعه، شخصی که در یک دعوا یا در یک عقد و قرارداد طرف تعهد به شمار نمی‌رود، دارندگان یا انتقال گیرندگان حق از صاحب حق، شخص خارج از روابط میان دو طرف، شخص نامعلوم، شخص ثالث مستحق و سزاوار دریافت هزینه‌های درمانی (در بیمه بیماری و حوادث اشخاص) که بر پایه آن

بیمه‌گران یا تامین‌گران به طور مستقیم هزینه‌های درمانی و پزشکی را به او می‌پردازند مانند پزشک معالج یا بیمارستانهای حقمند (فرهنگ Robert جلد دوم). به طوری که دیده و فهمیده می‌شود، مفهوم ثالث، بیشتر جنبه حقوقی دارد.

مفهوم ثالث از دیدگاه حقوقی (قانونی)

از دیدگاه حقوقی، شخصی که طرف قرارداد یا عقد نباشد و قائم مقام یا جانشین هیچ یک از دو طرف عقد یا معامله نیست، «ثالث» نامیده می‌شود. چنان‌که ماده ۲۳۱ قانون مدنی می‌گوید: «معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام آنها مؤثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶». همچنین ماده ۴۴۷ ق - م می‌گوید: «هرگاه شرط خیار برای شخصی غیر از متعاملین شده باشد منتقل به ورثه نخواهد شد» و ماده ۴۴۸ ق - م نیز اضافه می‌کند «سقوط تمام یا بعضی از اختیارات را می‌توان در ضمن عقد شرط نمود» گاهی نیز قانون‌گذار شخصی را که طرف قرارداد نیست ولی جانشین قانونی یکی از دو طرف قرارداد است، «ثالث» می‌شمارد. چنانچه ماده ۳۹۹ ق - م می‌گوید: «در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هر دو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد».

افزون بر اینها در دعوای حقوقی در دادگاهها نیز در مورد شخصی که خارج از دعوا باشد و به دادگاه جلب شود یا در آن دخالت کند، واژه «ثالث» به کار گرفته می‌شود. به طور کلی طبق اصول همادین حقوقی حاکم و ناظر بر قراردادهای و در مورد دعاوی دادگستری، اثر قراردادهای و دعوای نسبت به دو طرف قرارداد یا دو طرف اختلاف است و تأثیری بر وضع اشخاص ثالث ندارد و برای آنان تعهدی ایجاد نمی‌کند به ویژه تعهد به زبان اشخاص ثالث، تجاوز به حقوق و آزادی اراده آنان است و ز درجه اعتبار فرو می‌افتد. با این همه ضرورت‌های عاطفی، عدالتی و اجتماعی و رواج و گسترش کسب و پیشه، «تعهد به سود ثالث» یا اشخاص خارج از قراردادهای را به تدریج پذیرفته است^(۱) ولی پذیرش این شرط و تعهد تا مدتها جنبه استثنایی داشته است. چنان‌که قانون مدنی در ماده ۱۹۶ خود می‌گوید: «کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر این که در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد از آن ثابت شود. مع ذالک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می‌کند تعهدی هم به

۱. «تعهد به نفع ثالث» از حقوق مدرن اقتباس و در قانون مدنی ما وارد شده است. نگاه کنید به: مأخذ ۳،

نفع شخص ثالثی بنماید». همچنین: «در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال الصلحی که می‌گیرد متعهد شود که نفقه معینی همه ساله یا همه ماهه تا مدت معین تأدیه کند. این تعهد ممکن است به نفع طرفین مصالحه یا به نفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود» (ماده ۷۶۸ ق-م) در این جا قانون‌گذار صلح به سود ثالث را پذیرفته است. از مجموع مواد قانون مدنی در این زمینه آشکار می‌شود که «تعهد به سود ثالث» یک قاعده عام و گسترده نیست، بلکه جنبه استثنایی و حاشیه‌ای و فرعی دارد. این حالت استثنایی و در سایه ماندن «تعهد به سود ثالث» نتیجه و معلول شرایط اقتصاد توسعه نیافته و جامعه‌های غیر صنعتی یا نیمه صنعتی است. با صنعتی شدن تدریجی کشورها و دگرگونی روابط و پیوندهای اجتماعی و اقتصادی، حقوق و پیوندها و کردارهای حقوقی نیز متحول و دگرگون می‌شوند. در ایران نیز با ورود ماشین و موتور (کارخانه‌ها، ماشین‌ها و اتوموبیل‌ها) و گسترش صنعت در کشور، ضرورت دگرگونی ضابطه‌ها و قاعده‌های حقوقی مطرح شد. نارسایی و نقص قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷-۱۳۱۴) از یک سو و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه، از سوی دیگر، موجب شد که قانون خاصی در زمینه مسؤلیت مدنی وضع شود (قانون مسؤلیت مدنی مصوب ۱۳۳۹) در این قانون هم مسؤلیت مدنی مبتنی بر تقصیر و خطا پذیرفته شد و هم مسؤلیت مدنی مبتنی بر ایجاد خطر (نظریه خطر). چنان که ماده نخست قانون یاد شده می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانونی عمدآ یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامت یا مال ... یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب خسارت مادی یا معنوی دیگران شود، مسؤل جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد ...» قانون یاد شده همچنین در ماده ۱۲ خود، کارفرمایان مشمول قانون کار را مسؤل جبران خسارتهای وارده به دیگران می‌داند مگر آن که با اثبات رعایت احتیاطهای لازم خلاف آن را ثابت کند (مسؤلیت کارفرما به علت عمل کارگرو پذیرش نظریه نسبی خطر). درنمایه متعارض و مبهم این ماده قانونی جای بحث باقی می‌گذارد [۱۲] اضافه کنیم که ماده سیزدهم قانون مورد بحث، نوعی بیمه اجباری مسؤلیت مدنی کارفرمایان مشمول قانون کار را برقرار ساخته است که کوشش و نگرش تحول‌آمیزی در حقوق ماست. اما به حق باید گفت که قانون بیمه، مصوب ۱۳۱۶ پیشگام و آغازگر تحول واقعی در سیستم حقوقی ما، در زمینه مسائل مسؤلیت مدنی است. بدین معنا که قانون بیمه در دو مورد یعنی در زمینه مسؤلیت مدنی در مقابل زیان دیدگان (ثالث) و همچنین در مورد تعهد به

سود ثالث (استفاده کنندگان از سرمایه بیمه در بیمه‌های اشخاص) به این موضوع توجه و تأکید دارد. چنان‌که ماده ۴ قانون بیمه می‌گوید: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسوولیت حقوقی ...» بر پایه این ماده از قانون بیمه انواع بیمه مسوولیت مدنی یا «تعهد به سود ثالث» در قراردادهای بیمه پذیرفته شده و جنبه قانونی به خود گرفته است بدین معنا که بیمه‌گر و بیمه‌گذار مجازند که به طور مستقل و به عنوان یک قاعده حقوقی، قراردادهای بیمه به سود اشخاص ثالث منعقد کنند و در مقابل ادعای خسارت آنان خود را متعهد و مدیون بدانند. افزون بر این، قانون بیمه درباره مسائل بیمه‌های اشخاص (به ویژه بیمه عمر) می‌گوید: «وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود به ورثه قانونی متوفی پرداخته می‌شود مگر این که در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است» در دنباله همین ماده، قانون اضافه می‌کند «بیمه‌گذار حق دارد ذی نفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد مگر آن که آن را به دیگری انتقال داده و بیمه‌نامه را هم به منتقل‌الیه تسلیم کرده باشد».

به شیوه‌ای که دیده می‌شود تعهد به سود ثالث در قانون بیمه ما بر پایه زمینه داخلی حقوقی و فقهی و عرف جهانی بیمه، اصلی است قانونی و پذیرفته شده. این زمینه مساعد قانونی، زمینه ساز تحولات و دگرگونیهای پسین در حقوق ما شده است. اوج این تحول را می‌توان در تصویب «قانون بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث»، مصوب دی ماه ۱۳۴۷ مشاهده کرد. بدین سان دیده می‌شود که قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ به عنوان نخستین سنگ بنای نهاد و ساختار حقوقی بیمه در ایران و قانون مسوولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹ و سرانجام قانون مشهور به «بیمه اجباری شخص ثالث» مصوب دی ۱۳۴۷، که از اول سال ۱۳۴۸ اجرا شد، نقش شایان ارزش و سودمندی در تحول حقوق مدنی یا حقوق شارمندی جامعه ما ایفا کرده‌اند. نتیجه دیگری که از این تحول حقوقی به دست می‌آید آن است که چگونه مواد قانونی و حالت‌های استثنایی حقوقی، زیر تأثیر تغییر و تحول شرایط اقتصادی و صنعتی تبدیل به قاعده‌های حقوقی عام می‌شوند (تبدیل استثنا به قاعده) این تحول بیانگر آن است که ظهور و پیدایی شرایط جدید اقتصادی و اجتماعی، قواعد حقوقی و قانونهای جدید متناسب با ویژگیها و خصلت خود را طلب و ایجاب می‌کنند (تحول عصر شتر به

عصر موتور). اکنون که تحول مفهوم ثالث را در حقوق خود دیدیم هنگام آن است که نخست مفهوم ثالث در بیمه‌های مسوولیت مدنی، به ویژه بیمه اجباری شخص ثالث را بررسی کنیم و پس از آن مفهوم ثالث یا تعهد به سود ثالث را در بیمه‌های اشخاص مورد مطالعه قرار دهیم ولی پیش از پرداختن به این دو مبحث، ضرورت دارد که ابتدا چیستی و مکانیسم حقوقی تعهد به سود ثالث را روشن کنیم.

الف. چیستی حقوقی تعهد به سود ثالث

درباره این که تعهد به سود ثالث از دیدگاه حقوقی چه ماهیت و مکانیسمی دارد، و بر چه دیدمانهایی استوار است، نظریه‌ها و دیدمانهای گوناگونی مطرح است:

۱. دیدمان پیشنهاد: بر پایه این نظریه حقوقی در قراردادهایی که میان دو طرف بسته می‌شود، تعهدی به سود ثالث به عهده یک طرف قرار می‌گیرد (برای نمونه، یک طرف متعهد پرداخت وجهی یا انجام دادن کاری به سود نفر سومی می‌شود) در این جا شخص متعهد این موضوع را به ثالث پیشنهاد می‌کند و اگر او قبول کرد، طرف متعهد در قبال او مدیون و بدهکار و ملزم به انجام دادن آن می‌شود. پذیرش این نظریه به معنای تجزیه قرارداد بسته شده به قرارداد اصلی و قرارداد فرعی (یا تبعی) می‌شود. اثر و نتیجه چنین فرایندی این است که ایجاد حق به سود شخص سوم از زمان اعلام رضایت و خرسندی او خواهد بود. بنابراین در صورتی که ثالث پیش از اعلام پذیرش خود فوت کند، تعهد به سود او بی اثر خواهد بود زیرا که استفاده کننده از تعهد نامعلوم و مفقود است. پذیرش این نظریه در عمل موجب اشکال‌هایی می‌شود و قراردادهای به سود ثالث را آسیب‌پذیر می‌سازد.

۲. دیدمان تصدی امور دیگران: بر پایه این نظریه، در قراردادی که میان دو طرف بسته می‌شود و یکی از آنان در برابر شخص ثالثی تعهدی را به گردن می‌گیرد، بدان معناست که متعهد خود را نماینده ثالث به شمار می‌آورد و به طور فضولی بدون کسب موافقت پیشین شخص سوم، قرارداد را امضا می‌کند. بنابراین در صورت تنفیذ شخص سوم، یک حق یا بستانکاری برای او ایجاد می‌شود. پذیرش این دیدمان نیز خالی از کاستی و اشکال نیست. زیرا در واقع عاقد قرارداد، نماینده واقعی یا وکیل شخص سوم نیست بلکه از سوی خود و به حساب خود قرارداد می‌بندد.

۳. دیدمان تعهد مستقیم: نظری که در حقوق امروری بیشتر پذیرفته شده و عمل می‌شود، آن است که با بستن قرارداد و توافق و سازش دو اراده بر پایه ضابطه‌های

درستی و اعتبار قراردادها (ماده ۱۹۰ قانون مدنی) تعهد به سود ثالث به طور مستقیم موجب بروز و نمود آثار حقوقی مورد نظر می‌شود و قبول و رضایت ثالث تأثیری بر انعقاد قرارداد و شرایط اعتبار آن ندارد، بلکه تنها بر استواری و اجرای قرارداد تأثیر می‌گذارد و ممکن است مانع انحلال یا تغییر قرارداد بسته شده گردد. از این رو در بسیاری از قراردادها عدم موافقت ثالث موجب انحلال یا بطلان معامله یا قرارداد نمی‌شود به استثنای قرارداد بیمه عمر و حوادث اشخاص (تأمین خطر فوت) که در صورت عدم جلب رضایت نوشته بیمه شده (ثالث) بیمه نامه باطل خواهد بود (ماده ۲۳ قانون بیمه).

ب. تعهد به سود ثالث و آثار آن

تعهد به نفع ثالث، خواه به صورت شرط ضمن عقد (ماده ۱۹۶ ق-م) باشد و خواه به صورت قرارداد مستقل، باید میان دو شخصی که اهلیت قانونی (حقمندی و شایستگی اجرای حق) دارند (با رعایت سایر شرایط بنیادی درستی قراردادها) انجام پذیرد اما آیا قبول شخص ثالث یا جلب رضایت او نیز ضروری و بایسته است؟

تردیدی نیست که در قرارداد بیمه عمر روی زندگی شخص سوم، اعلام قبولی و جلب رضایت نوشته شده او الزامی است و این ترتیب برای جلوگیری و دفع توطئه و تبانی در مورد صدمه به سلامت و حیات شخص بیمه شده پیش بینی شده است اما در بیمه مسوولیت مدنی در برابر اشخاص ثالث، نیازی به اعلام قبولی آنان نیست و جلب رضایت آنان نیز نه مقدور است و نه عملی. سرشت این نوع تعهد به سود ثالث به گونه‌ای دیگر است که ما آن را به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

پرسش دیگری که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا در تعهد به سود ثالث (در بیمه عمر) وجود و هستن شخص سوم در زمان بستن قرارداد بایسته است؟ به طور اصولی، تعهد به سود شخص نامعلوم و معدوم پذیرفتنی نیست ولی اگر وجود ثالث در زمان بستن قرارداد نامعلوم و در هنگام تحقق حق یا وقوع امری که شرط شده معلوم باشد، چنین تعهدی بدون اشکال است مانند موردی که بیمه گذار یا بیمه شده‌ای، چنین را جزو استفاده کنندگان از مزایای بیمه عمر تعیین کند یا به طور کلی وارثان زمان مرگ خود را به هر تعداد به عنوان استفاده کننده معین کرده باشند.

بخش نخست: مفهوم و مکانیسم ثالث در بیمه مسوولیت مدنی

۱. مفهوم و تعریف مسوولیت مدنی: بنا بر یک اصل همادین عقلی، عرفی و عدالتی،

هر کس موجب زیان دیگری شود پاسخ‌گوی جبران آن است. البته شیوه جبران زیانها در درازنای تاریخ دچار دگرگونی شده است. بدین معنا که در دورانهای ابتدایی و ناپیشرفتگی تمدن بشری، جبران زیان و تاوان جنبه خصمانه و خشونت‌آمیز و انتقام‌جویانه داشته است (دوران انتقام و خشونت و جاهلیت) ولی چون این شیوه واکنش و کردار خشونت‌آمیز موجب خونریزی‌ها و نزاعها و جنگهای پی در پی می‌شد و آرامش و ایمنی جامعه و توسعه تولید و تأمین معاش و اقتصاد را مختل می‌ساخت، ناگزیر به حکم و دستور ضرورت و مصلحت و منطق، این وضع وحشیانه تعدیل و اصلاح شد و به تدریج با اهمیت یافتن و ارزشمند شدن مقام و منزلت و کرامت و حقوق انسانی و ضرورت گسترش تولید و تأمین شرایط مساعد اقتصادی، اجرای مجازات از حالت معامله به مثل و انتقام‌جویی به حالت پرداخت جریمه و جبران غرامت و خسارت درآمد بدین معنا که طرفهای اختلاف و نزاع به جای انتقام شخصی و خانوادگی و قبیله‌ای، تن به صلح و سازش و داوری دادند و مراجعه به یک مرجع بی طرف و منصف و عادل یعنی داور یا دادگاه عمومی را جایگزین «دادگستری شخصی و خصوصی» کردند بدین سان در سیر تحول دادرسی و دادگستری، رسم و سنت انتقام شخصی تبدیل به «قاعده اخلاقی» و بعدها این قاعده اخلاقی و عرفی در قانون‌گذاری‌ها تبدیل به «قاعده حقوقی» شد. تبدیل «دادگستری خصوصی» به «دادگستری همگانی» و اجرای کیفر از سوی جامعه (دولت)، فراوره و نتیجه این تحول فکری و فرهنگی است که مورد پذیرش بیشترین شمار کشورهای جهان قرار گرفته است. امروزه در بیشترین جامعه‌های تمدن و پیشرفته، هدف کیفر و مجازات، گرفتن انتقام و خونخواهی نیست، بلکه جلوگیری و پیشگیری از وقوع جرم و بازپروری و اصلاح مجرمان، آماج اصلی قانونهای کیفری است زیرا در واقع، بروز و ارتکاب جرم، معلول و نتیجه عوامل و علل متعدد و پیچیده شرایط محیطی است (محیط خانواده، نظام تربیتی، ناهنجاری‌های جسمی و روانی، توارث، فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) بدون شک تغییر و بهبود این شرایط بر کاهش جرمها تأثیر قطعی و کارساز دارد. در پی این تغییر و تحول حاصل در ضابطه‌های جزایی (کیفری) به تدریج قاعده‌ها و ضابطه‌های مدنی در زمینه جبران زیانها نیز دگرگون شدند تا جایی که ضابطه‌های مربوط به جبران خسارتها در شرایط جامعه‌های صنعتی حالتی مستقل به خود گرفته و از تأثیر و سلطه قواعد جزایی تا اندازه‌ای جدا شده‌اند. وضع قانونهای مدنی جدید و ایجاد سیستم‌های ویژه مسؤلیت مدنی در زمینه حوادث کار و

سوانح رانندگی اتوموبیل، نمونه بارز و گویای این تحول حقوقی در جامعه‌های امروزی است. بی‌گمان پیدایش «نهاد بیمه» و پیوند آن با این قواعد حقوقی، به این تحول جان و توان و گسترش و پوشش کارساز و ارزشمندی بخشیده است. به سخن دیگر، بدون مشارکت و پیوند بیمه و مسوولیت مدنی این دگرگونی و تحول حقوقی و عدالتی تا این اندازه امکان تحقق پیدا نمی‌کرد.

مسوولیت مدنی چیست؟

مسوولیت اسم مصدر است و از مصدر سؤال گرفته شده و سؤال به معنای پرسیدن، درخواست کردن، بازخواست کردن، جوابگو و پاسخگو بودن است. مسوولیت انواع گوناگونی دارد که مهم‌ترین آنها مسوولیت اخلاقی، مسوولیت جزایی و مسوولیت مدنی است که بررسی یکایک آنها و ارتباط و فرق آنها با یکدیگر بحث مفصلی را می‌طلبد و علاقمندان می‌توانند با مراجعه به منابع پایان مقاله آگاهی بیشتری به دست آورند. اما واژه «مدنی» که به عنوان صفت نسبی «مسوولیت» به کار می‌رود به معنای: شهری، شهرباش، شهروندی، شارمندی، باشنده شهر، شاروندی، ضدبدوی، اهل شهر، منسوب به مدینه (به معنای شهر و شهرستان) مانند شهر یثرب که نام «مدینه» به خود گرفت، (مدینه نورانی) یا مانند مدینه بغداد، مدینه نیشابور، مدینه تهران و ... است که حالت جمع این واژه، مداین یا مدینه‌هاست به هر صورت از مجموع معنای واژه مدنی می‌توان گفت که انسان مدنی یا متمدن، نقطه مقابل موجود بدوی و بیابانگرد و نیمه وحشی است. انسان مدنی یک هستیور دارای تمدن و فرهنگ و تربیت درست و شخصیت پیشرفته‌ای است که او را از موجود وامانده و خشونت‌گرای بدوی متمایز می‌کند. برای نمونه «جاهلیت» که به معنای «سبمیت، وحشیگری، درندگی، سرکوبگری و خشونت» آفندی و آزاردهنده است^(۱) یک نمونه بارز و گویای «بدویت» است که به اشکال مختلف در درازنای تاریخ بروز و جامعه‌های انسانی را دچار فاجعه جنگ و بحران و نسل‌کشی و مثله‌گری و آدم‌ربایی کرده است ... بر پایه این ریشه‌یابی و معنایابی واژگانی و تعریفهای علمی می‌توان گفت که مسوولیت مدنی (یا پاسخگویی شارمندی) یعنی آن حالت و خصلت پاسخگویی متمدنانه و فرهنگ‌گرایانه در برابر دیگر هموعان یا احساس دادمندی و دادگری در برابر شهروندان و از آن بالاتر احساس مسوولیت و

پاسخگویی به نیازهای انسانی همگوهان خود (بسی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند) این احساس عالی همبستگی انسانی، سرچشمه و آبشخور «مسئولیت مدنی» است که به صورت قواعد اخلاقی، مذهبی، عدالتی و قانونی جلوه‌گر می‌شود و در قانون‌های بشری بازتاب پیدا می‌کند.

تعریف و شالوده حقوقی و فقهی مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی از نظر حقوقی عبارت از تعهد و التزامی است که شخص نسبت به جبران زیان وارد به دیگران دارد، خواه زیان وارد شده بر اثر عمل یا کردار شخص عامل زیان یا در نتیجه عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال زیر مالکیت و تصرف قانونی عامل زیان باشد.

مبنا و شالوده علمی مسئولیت مدنی

در این باره دیدمانها و نظریه‌های علمی گوناگونی عرضه شده است.

۱. دیدمان خطا (نظریه تقصیر): مطابق این دیدمان حقوقی شخص هنگامی مسؤول و پاسخگوی خسارت وارد به دیگران است که در اعمال و کردار خود مرتکب خطا و تقصیری شده باشد. تقصیر و خطا را قانون مدنی در ماده ۹۵۳ خود شامل «تعدی و تفریط» می‌داند که تعدی به معنای «تجاوز نمودن از حدود اذن و متعارف نسبت به مال یا حق دیگری» و تفریط به معنای «ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است».

به سخن دیگر می‌توان گفت که تقصیر و خطا شامل عمل خلاف حق در مورد دیگری یا تجاوز از حریم و حدود قانونی و وارد آوردن زیان به دیگری است. نتیجه و اثر حقوقی این نظریه آن است که زیان دیده در صورتی می‌تواند به دریافت خسارت خود برسد که تقصیر و خطای عامل زیان را در رابطه با زیان خود به اثبات برساند. عامل زیان نیز می‌تواند به وسایل و دلایل گوناگون بی‌تقصیری خود یا بی‌ارتباطی خسارت را با عمل خود ثابت کند و از جبران زیان معاف شود.

این نظریه قرن‌ها و تا زمان حاضر، در بسیاری از زمینه‌ها و مسائل کیفری و مدنی اهمیت داشته و دارد. ولی تغییر و تحول شرایط اقتصادی و اجتماعی، به ویژه پس از صنعتی شدن جامعه‌ها و انباشتگی جمعیت شهرها و فزونی حوادث و خسارتها و ضرورت یافتن راه‌حلی برای مسائل و مشکلهای نوظهور، موجب تغییر و دگرگونی آن شده است. به همین جهت راه‌حل‌های حقوقی دیگری بر شالوده‌های جدید زیر عنوان

نظریه خطر (یا دیدمان خطر)، نظریه فرض تقصیر یا فرض مسوولیت، نظریه تأمین حوادث رانندگی و «دیدمان تضمین حق» در زمینه‌های صنعتی پیدا شده است که فشرده آن‌ها به شرح زیر است.

۲. دیدمان فرض مسوولیت: این نظریه حاصل کار عملی - قضایی دادرسان فرانسوی است بدین معنا که برای یافتن راه‌حل در زمینه جبران دادگرا نه خسارت‌های ناشی از حوادث کار در کارگاه‌های صنعتی، دیوان عالی فرانسه در سال ۱۹۳۰ از ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی چنین استنباط کرد که دارنده «شیی خطرناک» مسوول جبران خسارت وارد به دیگران است در واقع رویه قضایی فرانسه در شرایط زندگی صنعتی دست به اجتهاد و ابتکار حقوقی زد و «فرض مسوولیت» را از مواد یک قانون قدیمی استنباط و استخراج کرد. بر پایه این دیدمان، اصل بر مسوول بودن عامل زیان است مگر آن که خود خلاف آن را به اثبات رساند و از مسوولیت معاف شود. این رأی ابتکاری زمینه ساز پیدایش «نظریه خطر» شد.

۳. دیدمان خطر: در این دیدمان (نظریه) ارتکاب تقصیر شرط ایجاد مسوولیت مدنی نیست، بلکه هر کسی که بر اثر کردار و فعالیت خود، خطر یا محیط خطرزایی ایجاد کند و موجب خسارت دیگران شود، مسوول و پاسخگوی جبران آن است مانند این که شخصی کارخانه‌ای تأسیس کند یا اتوموبیلی را به حرکت درآورد و موجب زیان دیگران شود. پیدایش این دیدمان نتیجه صنعتی شدن جامعه‌ها، افزایش و انباشتگی جمعیت شهرها، فزونی حوادث کار و سوانح رانندگی و ایجاد خسارت‌های فراوان است. در این نظریه، صرف اثبات رابطه علیت میان عمل عامل زیان و خسارت وارد شده به دیگران، به زیان دیدگان حق می‌دهد که خسارت خود را درخواست و دریافت کنند و چون مسوولیت مدنی افراد و بنگاه‌ها و سازمانها نزد شرکتهای بیمه مورد تأمین قرار می‌گیرد، جبران خسارت‌های اشخاص زیان دیده و اجرای عدالت تسهیل و تسریع می‌شود.

۴. دیدمان تأمین حوادث رانندگی: افزایش خسارت‌های ناشی از حوادث رانندگی در شرایط جامعه‌های صنعتی و بایستگی جبران آنها، موجب شد که برخی از حقوقدانان در جست‌وجوی راه‌حلی باشند که پاسخگوی مسائل و مشکلات ناشی از شرایط جدید جامعه‌های امروزی باشد. یکی از حقوقدانان برجسته بر این باور است که در وضع بغرنج و پیچیده زندگی ماشینی امروزی، دیگر جست‌وجوی تقصیر و اثبات خطای عامل زیان، امر دشوار و کهنه و متروکی است. در چنین شرایطی باید سیستمی برقرار و استوار

شود که دور از جنجال و بحثهای سنتی ارتکاب و اثبات تقصیر، حقوق زیان دیدگان به طور سازمان یافته و واقعگرایانه و عادلانه جبران شود. وجود عامل بیمه و شرکتهای جبرانگر خسارتها، کارسازترین راه تأمین این حقوق و تحقق عدالت در این زمینه است^(۱) به راستی هم در شرایط پیچیده جامعه‌های صنعتی و فزونی و انباشتگی شهرها، یافتن مقصر اصلی و منحصر حوادث و خسارتها و اثبات تقصیر او، کار دشوار و پرهزینه و وقت‌گیری است. راه بخردانه آن است که هزینه تأمین این خطرها و خسارتها را به صورت «حق بیمه» از دارندگان وسایل نقلیه موتوری دریافت کنیم و جبرانگری‌ها را به شرکتهای بیمه بسپاریم.

۵. دیدمان تضمین حق: این دیدمان شکل تکامل یافته و گسترده نظریه‌های مورد اشاره است بر پایه این دیدمان، مینا و شالوده مسوولیت مدنی افراد و نگاهها و سازمانها در شرایط جدید اقتصادی و اجتماعی به نظریه تقصیر یا دیدمان خطر محدود و منحصر نیست. به نظر پروفیسور بوریس استارک، حقوقدان فرانسوی، این اشتباه است که تنها به آثار و ارزیابی عمل یا فعل عامل زیان توجه کنیم و حقوق زیان دیدگان و تضمین اجتماعی را فراموش کنیم یا نادیده بگیریم. به نظر این حقوقدان هر کس حق دارد در جامعه خود به شیوه‌ای سالم و ایمن زندگی کند و حقوق انسانی او مورد تضمین قرار گیرد. هیچ کس حق ندارد سلامت و ایمنی و حقوق دیگر هموعان را به خطر اندازد. به محض این که حقی از بین رفت و زبانی به کسی وارد شد، عامل زیان باید آن را جبران کند و همین الزام و تعهد به جبران زیان، مسوولیت مدنی نامیده می‌شود.

در واقع به نظر ایشان، جامعه مدنی بر پایه تضمین اجتماعی بنا و برپا می‌شود و مسوولیت مدنی در یک جامعه مدنی پیشرفته از شمول و فراگیری بیشتری بهره‌مند است. «قاعده تکافل» اسلامی نیز بیانگر شالوده یک جامعه مدنی همبسته و پاسخگو و تضمینگر است که با بهره‌گیری از نهاد بیمه و تأمین می‌توان توان و تحرک بایسته‌ای بدان داد. اضافه کنیم که برخی به «نظریه تضمین حق» ایراد گرفته‌اند که حمایت و پشتیبانی از حقوق عاملان زیان را که در اجرای حقوق خود تلاش و فعالیت می‌کنند نادیده گرفته و برای حقوق زیان دیدگان تقدم و برتری قایل شده است. در پاسخ به این ایراد، گفته شده است که تضمین حقوق مربوط به سلامت جسم و جان و روان انسان بر سایر حقوق او

۱. آندره تنک (A.Tunc)، تأمین حوادث رانندگی، پاریس، دالوز، ۱۹۶۶.

برتری دارد به همین جهت این حقوقدان با تفکیک خسارتهای بدنی از خسارتهای مالی و اقتصادی، می‌گویند که خسارتهای بدنی و جانی به هر صورت باید جبران شوند ولی جبران خسارتهای مالی باید به اثبات خطای عامل زیان باشد [۱۱].

مبنای مسئولیت مدنی (ضمان قهری) در فقه اسلامی:

فقه اسلامی که در سیر و پیمایش قرن‌ها رشد و گسترش یافته است، کوشش دارد که برای مسائل حقوقی و اجتماعی جامعه‌های اسلامی راه‌حل‌ها و تدبیرهایی همساز با شرایط روز پیدا و پیشنهاد کند. آشکار است که با تغییر و تحول شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جهان هستی همیشه در حال دگرگونی، قاعده‌های فقهی نیز ناگزیر باید نوسازی و متحول شوند. این تحرک و پویایی فقه اسلامی می‌تواند به یافتن راه‌حل‌های تازه و رهگشا برای مسائل جدید بینجامد.

مهم‌ترین قاعده‌هایی که در فقه اسلامی پذیرفته شده و به عنوان زیر ساخت سیستم ضمان قهری (یا مسوولیت مدنی) مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از:

۱. قاعده لاضرر: فشرده و چکیده این قاعده عقلی و فقهی که از حدیث نبوی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» استنباط و استخراج شده بنا بر یک تفسیر آن است که هیچ ضرر و زبانی نباید بدون تدارک و جبران بماند. «قاعده لاضرر» را می‌توان حافظ و حامی نظام حقوقی اسلام در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دانست. به همین دلیل قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصول گوناگون خود بدان توجه کرده است چنان که اصل چهارم می‌گوید: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» و اصل چهارم و نهم، می‌گوید: «هرکس مالک حاصل کسب و کار خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگران سلب کند.» همچنین طبق اصل پنجاهم قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب جبران‌ناپذیر آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.

در اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز می‌توان به جست و جوی «قاعده لاضرر» رفت. چنان که هر گاه بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین

اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت را دولت جبران می‌کند و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌شود.

بنابراین، بر پایه «قاعد لاضرر» می‌توان سیستم‌های مسوولیت مدنی فردی و اجتماعی را برای منظور تدارک و تأمین خسارتهای وارده به افراد یا به دولت، طراحی و منابع مالی لازم را برای تحقق این وظیفه و خویشکاری عدالتی فراهم کرد.

۲. قاعده اتلاف: بر پایه این قاعده، تلف مال غیر موجب ضمان و مسوولیت مدنی است و عامل زیان ملزم به جبران خسارت وارد به دیگران است این قاعده به صورت ماده - ۳۲۸ قانون مدنی متبلور شده است.

۳. قاعده تسبیب: بر پایه این قاعده، هر کس برای تلف مال غیر سبب سازی کند ضامن جبران خسارت وارده به زیان دیده می‌باشد (مسبب و محرک ایجاد خسارت به طور اصولی مسؤول و ضامن است نه مباشر ...).

تا این جا، دیدمان‌های علمی و مبناهای فقهی، رازمان و نظام مسوولیت مدنی را بیان کردیم. اما مترقی‌ترین قواعد و سیستم‌های مسوولیت مدنی اگر با سیستم‌های تأمین منابع مالی تلفیق نشود، کارسازی و کارایی درخوری پیدا نمی‌کنند. نهاد یا سیستم بیمه می‌تواند به نهاد حقوقی مسوولیت مدنی جان و توان و تحرک و تحقق ببخشد و به همین دلیل، بحث پسین ما به بیمه مسوولیت مدنی اختصاص دارد.

بیمه مسوولیت مدنی

پیوند نهاد حقوقی مسوولیت مدنی و نهاد بیمه از جمله ابتکارهای مدرن و نوگرایانه حقوقی و بیمه‌ای است. این پیوند فرخنده هم موجب پویایی این سیستم حقوقی و هم باعث گسترش بازار و فعالیتهای اقتصادی بیمه‌گران در جهان شده است و مجموع آنها از راه جبران خسارت زیان دیدگان و حمایت از فعالیتهای متصدیان حمل و نقل و دارندگان اتوموبیل، در خدمت اقتصاد و اجتماع قرار گرفته‌اند.

بیمه مسوولیت مدنی، برخلاف آن چه برخی مؤلفان و مترجمان ادعا می‌کنند، رشته ویژه و مستقلی از بیمه است و جایگاه خاص خود را دارد. بدین معنا که در بیمه مسوولیت مدنی، ریسک بدهکاری بیمه‌گذار (عامل زیان احتمالی) در برابر ادعای خسارت اشخاص زیان دیده موضوع قرارداد بیمه قرار می‌گیرد. از دیدگاه حقوقی، بیمه مسوولیت مدنی مشمول تعریف پیش‌بینی شده در ماده نخست قانون بیمه است که بیمه را گونه‌ای «عقد» می‌داند. با این تعریف همه اصول مربوط به درستی و اعتبار عقدها و

قراردادها (ماده ۱۹۰ قانون مدنی) و اصول بنیادی درستی عقد بیمه (مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۸ قانون بیمه) بر قرارداد بیمه فرمانروایی دارد اما بیمه را نمی‌توان تنها یک قرارداد یا عقد میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار به شمار آورد. عقد و قرارداد، طریقه و وسیله پیوستن و الحاق شمار فراوان بیمه‌گذاران به صندوق مشترک همیاری جامعه و جمهور بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان است به همین دلیل باید در جست و جوی تعریف رساتری از بیمه بود از دیدگاه فنی، بیمه مسوولیت مدنی را می‌توان عملی سازمان یافته دانست که بر پایه موازین آماری و اصول مدیریت ریسک‌ها سروسامان می‌گیرد و از راه مشارکت جمعی جمهور بیمه‌گذاران، تأمین و جبران خسارتهای احتمالی یا پرداخت سرمایه مورد تعهد، مقدور و عملی می‌شود. انواع فورمول‌های بیمه مسوولیت مدنی متناسب با زمینه‌های گوناگون فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی طرح ریزی و عرضه شده‌اند که در جامعه‌های صنعتی مورد استقبال و عمل‌اند. یکی از دیرین‌ترین نوع آن، بیمه مسوولیت مدنی ناشی از حوادث کار است که در قرن نوزدهم معمول شد و بعد در سیر تکاملی خود به بیمه اجتماعی حوادث کار تبدیل شد و کارفرمایان مکلف به تهیه و اجرای آن شدند. پس از آن، به دلیل افزایش حوادث رانندگی اتوموبیل و فزونی و فراوانی خسارتهای بدنی، بیمه مسوولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی از حالت اختیاری به صورت همگانی و الزامی درآمد (کشورهای سوئد از سال ۱۹۲۹ و انگلستان از سال ۱۹۳۰، این نوع بیمه را اجباری کردند و دیگر دولتهای اروپایی به تدریج همین شیوه بیمه همگانی را پذیرفتند).

در کشور ما خیلی دیرتر در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) این رشته از بیمه به دلیل اهمیت اجتماعی آن جنبه الزامی و همگانی به خود گرفت که خودگامی تحولی در زمینه اجرای برنامه‌های حمایتی و عدالتی در کشور، است. پرداخت میلیاردها تومان خسارت به زیان دیدگان (جبران هزینه‌های درمانی مصدومان، پرداخت غرامت نقص عضو و از کار افتادگی دایم و فوت مصدومان)، نقش و تأثیر شایان توجهی در حمایت و پشتیبانی از خانواده‌ها و استواری موقعیت آنها و همچنین خدمت رسانی به بنگاههای اقتصادی کشور داشته است^(۱). بحث درباره همه انواع بیمه‌های مسوولیت مدنی معمول در زمینه‌های شغلی و حرفه‌ای و خانوادگی از گنجایش این مقاله بیرون است از این رو،

۱. نگاه کنید به: فصلنامه‌های بیمه مرکزی ایران و آمار حق بیمه و خسارت در بازار بیمه ایران.

ناگزیر تنها به بحث فشرده‌ای درباره اصول همادین بیمه اجباری شخص ثالث حوادث وسایل نقلیه موتوری زمینی بسنده می‌کنیم. اصول پایه و همادین قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، مصوب دی ۱۳۴۷ به شرح زیر است:

۱. اصل مسؤل بودن دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث: این اصل از ماده نخست قانون یاد شده استنباط و استخراج می‌شود و به سخن رساتر، ژرف ساخت یا درونمایه حقیقی ماده نخست قانون مورد بحث را تشکیل می‌دهد. ماده نخست می‌گوید: «کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه‌آهن ... مسؤل جبران خسارات بدنی و مالی هستند که بر اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود ... از نظر ژرف ساختی و مبنای فکری و علمی، این اصل متکی بر «نظریه خطر» و «دیدمان تضمین حق» است که پیش از این درباره آنها صحبت کرده‌ایم.

۲. اصل اجباری بودن (یا همگانی بودن) بیمه مسؤلیت مدنی دارندگان اتوموبیل: ماده نخست قانون مورد بحث در بخش دوم خود پس از آن که دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی را مسؤل جبران خسارت اشخاص ثالث اعلام کرده است، اضافه می‌کند: «... و مکلفند مسؤلیت خود را از این جهت نزد شرکت سهامی بیمه ایران یا یکی از مؤسسات بیمه داخلی که اکثریت سهام آنها متعلق به اتباع ایرانی و صلاحیت آنها به پیشنهاد وزارت دارایی و وزارت اقتصاد مورد تأیید دولت باشد بیمه نمایند». این دو اصل تکمیلگر یکدیگرند و پیوند نهاد حقوقی مسؤلیت مدنی و نهاد مالی بیمه را بازتاب می‌دهند در واقع، مترقی‌ترین سیستم‌های حقوقی مسؤلیت مدنی به تنهایی کافی برای جبران خسارتها و حق‌گزاری و دادگری نیستند یا به قول «بورگ کنشت»، حقوقدان سوییسی: «اجرای قانون مسؤلیت مدنی صاحبان وسایل نقلیه موتوری هر قدر هم دقیق و عادلانه باشد فایده‌ای ندارد مگر آن که توأم با بیمه اجباری آن بشود. امروزه داشتن اتوموبیل، دیگر جنبه لوکس و تقن ندارد و برای بیشتر مردم وسیله کار است. اگر بیمه اجباری مسؤلیت مدنی وجود نداشته باشد صاحبان وسایل نقلیه موتوری قادر به جبران غرامت ناشی از به کار بردن این وسایل نیستند. دادگاه حکم صادر می‌کند. مقصر که صاحب وسیله نقلیه است محکوم می‌شود و چون قادر به پرداخت خسارت نیست به زندان می‌افتد و او هم از هستی ساقط می‌شود. بنابراین قانون مسؤلیت مدنی بدون بیمه

اجباری نمی‌تواند حافظ حقوق اجتماع و خانواده‌ها باشد [۵].

۳. اشخاص ثالث: هدف بنیادین و فرجامین قانون بیمه اجباری شخص ثالث، حمایت و پشتیبانی از حقوق زیان دیدگان و تحقق بخشی از برنامه عدالت اجتماعی و اقتصادی است به طور کلی منظور از «اشخاص ثالث» همه زیان دیدگان از حوادث و خطرهای رانندگی است ولی قانون‌گذار به دلایل مختلف، میدان و گستره شمول این مفهوم و منظور را محدود ساخته است و تعدادی از زیان دیدگان را مشمول این اصل کلی ندانسته است چنان‌که ماده دوم قانون مورد بحث در مقام بیان و تعریف «اشخاص ثالث» می‌گوید: «کلیه اشخاصی که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی یا مالی می‌شوند از لحاظ این قانون ثالث تلقی می‌شوند به استثنای اشخاص زیر:

الف) بیمه‌گذار، مالک یا راننده وسیله نقلیه مسؤل حادثه

ب) کارکنان بیمه‌گذار مسؤل حادثه حین کار و انجام وظیفه

ج) همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه‌گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه‌ای باشند که راننده یا بیمه‌گذار مسؤل حادثه باشد» با این همه تبصره ۲ ماده دوم مذکور اضافه می‌کند که «در صورت تصادف دو وسیله نقلیه رانندگان وسایل مزبور در برابر یکدیگر شخص ثالث محسوب می‌شوند اعم از آن که مالک وسیله نقلیه باشند یا نباشند».

به طوری که مشاهده و فهمیده می‌شود، ماده دوم قانون بیمه اجباری شخص ثالث، نخست با قبول و اعلام این اصل که همه زیان دیدگان از حوادث رانندگی «اشخاص ثالث» هستند در جهت تأمین و تحقق هدف بنیادین قانون گام برداشته است ولی برخوردها، برداشتها، باورها و نظرها و تلاش برای تلفیق نظرها و گرایشهای درگیر، موجب شد که این ماده دستخوش تعارض و ابهام شود. به هر صورت استنباط کلی از روح و مفاد و هدف قانون مورد بحث این است که هر گونه تفسیری از این قانون باید گسترده و دادگرایانه و در جهت تأمین هر چه بیشتر حقوق زیان دیدگان باشد بنابراین می‌توان گفت:

الف) مسافران اتوبوس‌ها، تاکسی‌ها و کرایه‌ها که با پرداخت کرایه از وسایل حمل و

نقل عمومی استفاده می‌کنند ثالث به شمار می‌روند.

ب) مسافران اتفاقی و سرنشینان رایگان وسیله نقلیه نیز ثالث محسوب می‌شوند.

ب) اشخاصی که مشمول بند الف و ب و ج مذکور در ماده دوم قانون نباشند ثالث به شمار می‌روند (برای مثال اشخاص زیر تکفل بیمه‌گذار در صورتی که سرنشین نباشند) ت) کلیه عابران ثالث‌اند.

ث) کارکنان بیمه‌گذار مسؤول حادثه در خارج از ساعات کار و انجام دادن وظیفه ج) بیمه‌گذار، مالک و راننده وسیله نقلیه از جهت بیمه نامه خود شخص ثالث محسوب نمی‌شوند و در صورتی که بر اثر تصادف دچار خسارت شوند و طرف تصادف مسؤول شناخته شود محق به دریافت خسارت خود از محل بیمه نامه شخص ثالث طرف تصادف هستند و نکته مهم آن که، قانون بیمه اجباری شخص ثالث در تبصره پیوسته و ملحق به ماده دوم خود، رانندگان وسایل نقلیه را در صورت تصادف وسایل آنها با یکدیگر در برابر همدیگر شخص ثالث می‌شناسد و این بدان معناست که رانندگان و صاحبان حقوق (وارثان) آنها محق به دریافت خسارت خود هستند در واقع با صراحت تمام می‌توان گفت که تبصره ماده دوم قانون، نوعی «بیمه حوادث رانندگان» را برقرار و استوار ساخته است و بیمه‌گران را ملزم و متعهد به جبران خسارت آنان می‌داند [۴]. عدول و تخلف از این صراحت قانونی با توجه به این که در نرخهای حق بیمه محاسبه شده، سهم حق بیمه این نوع بیمه حوادث رانندگان نیز منظور شده است، موجب مسؤولیت بیمه‌گران و پیگرد حقوقی آنان خواهد بود. جا دارد که سازمان نظارت و دیده‌بانی بر صنعت بیمه، بیمه‌گران را به انجام این الزام و تعهد قانونی خود مکلف سازد تا حقی از زیان دیدگان حقمند ضایع نشود.

۴. جبران کامل خسارت اشخاص ثالث زیان دیده: ماده ششم قانون بیمه اجباری شخص ثالث با صراحت می‌گوید: «بیمه‌گر ملزم به جبران کلیه خسارتهای وارد شده به اشخاص ثالث خواهد بود...» و اضافه می‌کند که حداقل تضمین (مبلغ بیمه) و تعرفه حق بیمه و شرایط عمومی بیمه با رعایت نرخها و شرایط بین المللی تعیین خواهد شد.

به طوری که مشاهده می‌شود قانون‌گذار مبلغی برای حداقل یا حداکثر تضمین بیمه‌گران در قبال زیان دیدگان تعیین نکرده است. دلیل این کار، در سرشت بیمه مسؤولیت مدنی - که نوعی ناطمینانی از عواقب و پیامدهای نامعلوم حوادث رانندگی و خسارتهای احتمالی را القا و ایجاب می‌کند - نهفته است.

در واقع عرف و شرایط جهانی بیمه مسؤولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی ایجاب می‌کند که این گونه بیمه نامه‌ها با تضمین غیر محدود یا دست کم با مبالغ بالا

تنظیم و صادر شوند تا امکان جبران واقعی خسارت افراد زیان دیده فراهم شود و «اصل غرامت» که ریشه در عدالت دارد به مرحله عمل درآید. با این همه به علت سنگین شدن مبلغ حق بیمه (بهای تأمین)، تاکنون بیمه‌گران امکان صدور بیمه نامه شخص ثالث با تضمینهای بالا و رسا را نیافته‌اند ولی به هر صورت زیان دیدگان از حوادث رانندگی حق دارند تا حداکثر خسارت وارد شده به آنان درخواست غرامت نمایند ...

۵. صندوق تأمین خسارتهای بدنی: بر پایه ماده دهم قانون بیمه اجباری شخص ثالث، اشخاصی که خسارت بدنی وارده به آنان به علل: نبودن بیمه شخص ثالث، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق قرارداد بیمه یا تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و شناخته نشدن مسؤول حادثه، ورشکستگی بیمه‌گر و موارد همانند آنها، از سوی بیمه‌گران قابل جبران نباشد، حق دارند به «صندوق تأمین خسارتهای بدنی» مراجعه و درخواست غرامت کنند.

ایجاد این نهاد تأمینگر در کنار مؤسسه‌های بیمه، در جهت تحقق هدفهای عدالتی و حمایتی سیستم بیمه اجباری شخص ثالث است. در واقع هنگامی که بیمه‌گران در چارچوب قرارداد و ضوابط بیمه‌ای، قادر به جبران خسارت اشخاص زیان دیده نباشند، ناگزیر یک صندوق حمایتی مکمل جوابگوی جبران زیانها و اجرای عدالت خواهد بود. پرسشی که مطرح می‌شود این است که صندوق تأمین از نظر حقوقی چه ماهیتی دارد؟ آیا پیوند و رابطه صندوق با زیان دیدگان متکی بر یک قرارداد ضمنی و فرضی است؟ یا آن که صندوق تأمین نوعی کفالت‌نامه یا ضمانت‌نامه یا وثیقه دین و بدهکاری در مقابل زیان دیدگان است؟ به نظر استاد دکتر سیدحسین صفایی، تمهد صندوق مبتنی بر قانون است مانند نفقه‌زوجه یا اقارب^(۱). به نظر می‌رسد که صندوق یک قرارداد یا نهاد تضمین اجتماعی است که بر پایه «نظریه تضمین حق» پی‌ریزی شده است و به همین جهت نیز جبران زیانهای بدنی را بر زیانهای مالی مقدم می‌داند. در توجیه این نظر و ضمن تأیید نظر حقوقدان ارجمند آقای دکتر صفایی، می‌توان گفت که قانونهای وضعی (یا موضوعه) یا غیر مدون، نیز خود نوعی قرارداد و میثاق و پیمان اجتماعی هستند که میان افراد جامعه یا میان ملت و دولت بسته می‌شوند و حاکم بر پیوندها و روابط گوناگون

۱. نگاه کنید به: حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، دکتر محمود صالحی، نشر دانشکده مدیریت

جامعه‌ها می‌شوند به هر صورت، صندوق تأمین خسارتهای بدنی یکی از نهادهای پشتیبانگر حقوق زیان دیدگان از حوادث رانندگی است که تأسیس و ایجاد آن ابداع و ابتکاری حقوقی در حقوق بیمه ایران به شمار می‌رود. با این همه این نهاد حمایتی چندان شناخته شده نیست و زیان دیدگان و حق‌مندان بسیاری از وجود و نقش آن ناآگاهند...^(۱) در پایان این بخش از مقاله یادآوری چند نکته و مسأله ضروری به نظر می‌رسد.

۱. نهاد حقوقی مسوولیت مدنی به دلیل تغییر و تحول شرایط اقتصادی و اجتماعی به تدریج در زمینه‌های صنعتی از نهاد حقوقی مسوولیت جزایی جدا شده و بر پایه‌های علمی جدیدی استوار شده است چنان که در حوادث رانندگی وقوع یافته در اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها و خطوط راه‌آهن، عامل زیان ممکن است از مسوولیت کیفری (جزایی) معاف شود ولی مسوولیت مدنی او به جای خود باقی بماند و بیمه‌گران متعهد به جبران خسارت بدنی اشخاص زیان دیده باشند (ماده ۴ قانون ایمنی راهها و راه‌آهن، مصوب ۱۳۴۹/۴/۷).

۲. مسوولیت مدنی متکی بر «نظریه تقصیر» همچنان در زمینه‌های غیر صنعتی در بسیاری از موارد و فعالیتها جاری و حاکم است از جمله در خصوص مسوولیت مدنی پزشکان و جراحان موضوع شایان بحث و بررسی در این زمینه، تعارض و تضادی است که میان ضوابط مسوولیت مدنی پزشکان و جراحان و ضوابط جزایی در این باره وجود دارد بدین معنا که شورای عالی بیمه بر پایه آیین نامه شماره ۳۷ خود این نوع بیمه را تصویب کرده و عرضه آن را مجاز می‌داند در حالی که در عمل به دلیل موانع حقوقی (جزایی) در صورت صدور این نوع بیمه نامه، بسیاری از زیان دیدگان قادر به دریافت خسارت خود از بیمه‌گران نخواهند بود.

زیرا که طبق ماده ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ «هرگاه طیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان، براثت حاصل نماید عهده‌دار خسارت پدید آمده نخواهد بود».

در عمل مشاهده می‌شود که بیمارستانها با اخذ «ورقه براثت» از بیمار یا ولی او زمینه و دلیل عدم مسوولیت پزشک و جراح را فراهم می‌آورند و او را از جبران خسارت معاف می‌کنند و در نتیجه بیمه‌گران نیز به پیروی از عدم مسوولیت یا معافیت از مسوولیت

۱. اداره صندوق تأمین خسارتهای بدنی، طبق قانون به عهده بیمه مرکزی ایران است.

پزشکان و جراحان، تمهدی به جبران خسارتها نخواهند داشت. به نظر ما، ضمن ضرورت بازنگری در قانون مجازات حاکم، راه حل عملی و عادلانه آن است که مسوولیت مدنی را از مسوولیت جزایی جدا کنیم تا اشخاص زیان دیده بتوانند در صورت اثبات تقصیر و خطای پزشکان و جراحان و رابطه آن با خسارت خود به حقوق خویش برسند. بی گمان حضور و دخالت «عامل بیمه» در مسائل مسوولیت مدنی، کار جبران خسارتها و اجرای عدالت را آسان و عملی می کند. در واقع در صورت بیمه شدن مسوولیت مدنی پزشکان و جراحان، شرکتهای بیمه جایگزین آنان و با انتقال ریسک قبول تعهد، بیمه گران جوابگوی خسارت زیان دیدگان می شوند و بدین سان پزشکان و جراحان با استفاده و بهر مندی از تأمین بیمه گران با آسودگی خاطر به انجام دادن وظیفه مقدس پزشکی (که هدف آن تأمین و نگهداری از سلامت افراد جامعه است) می پردازند (معافیت از مسوولیت جزایی ولی قبول مسوولیت مدنی و جبران خسارتها).

به نظر می رسد که در تنظیم شرایط عمومی بیمه نامه مسوولیت مدنی پزشکان، مصوب شورای عالی بیمه، دقتهای حقوقی لازم صورت نگرفته است و به همین جهت اصلاح و بازنگری آن بایسته به نظر می رسد ...

۳. بیمه شخص ثالث حوادث رانندگی، خصلت همگانی و جهانی دارد و امروزه به علت گستردگی ارتباطها و رفت و آمدها و داد و ستدهای میان مللی، مسوولیت مدنی نه تنها در سطح داخلی و درون مرزی، بلکه در سطح جهانی مطرح است و آثار حقوقی مهمی دارد. به همین دلیل قاعده ها و رژیم های حقوقی مسوولیت مدنی ناشی از حوادث اتوموبیل و بیمه آن در جهان به تدریج به هم نزدیک و هماهنگ شده است (دفتر مرکزی کارت سبز میان مللی مربوط به بیمه شخص ثالث این ضوابط را همسان و هماهنگ می کند) در چنین شرایطی، ضابطه ها و قاعده های مربوط به جبران خسارتها (اجرای اصل غرامت و عدالت) ناگزیر باید بر پایه اصل حقوقی معامله به مثل (شرط معامله متقابل و حقوق متقابل) در روابط و پیوندهای میان مللی تنظیم و اجرا شوند و شرکتهای بیمه ما نیز باید خود را با نظام حمایتی جهانی (بیمه همگانی شخص ثالث) همگام و همراه سازند و اصول حقوقی شناخته شده و پذیرفته شده جهانی را در زمینه جبران کامل و بدون تبعیض خسارتها به مرحله اجرا بگذارند تا در روابط متقابل میان مللی به حقوق ایرانیان عازم سفرهای خارج از کشور خللی وارد نشود. بدین معنا که اگر ما حقوق (خسارت) خارجیان زیان دیده را که در کشور ما دچار سانحه می شوند تأمین نکنیم، آنها

نیز به طور متقابل حقوق زیان دیدگان ایرانی را رعایت نخواهند کرد و این امر به سود مصدومان و زیان دیدگان ما نخواهد بود.

بخش دوم: تعهد به سود ثالث در بیمه اشخاص

بخش نخست بحث و بررسی ما به ریشه‌یابی و تعریف «ثالث» در بیمه‌های مسولیت مدنی به ویژه بیمه اجباری شخص ثالث حوادث رانندگی، اختصاص داشت اما قانون بیمه ایران علاوه بر توجه به موضوع بیمه مسولیت حقوقی (مدنی) که در ماده چهارم خود آن را تصریح کرده است، در سایر مواد خود، به ویژه در زمینه بیمه‌های اشخاص (بیمه عمر و حوادث اشخاص) نیز به مفهوم ثالث توجه دارد چنان‌که ماده ۲۴ قانون بیمه می‌گوید: «وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخت شود به ورثه قانونی متوفی پرداخت می‌شود مگر آن که در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است.» همچنین ماده ۲۵ قانون بیمه می‌گوید: «بیمه‌گذار حق دارد ذی‌نفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد مگر آن که آن را به دیگری انتقال داده و بیمه‌نامه را هم به منتقل‌الیه تسلیم کرده باشد» منظور از «ورثه قانونی» یا «ذی‌نفع در سند بیمه عمر» که در مواد مورد اشاره از آنها یاد شده همانا استفاده‌کننده یا استفاده‌کنندگان از مزایا (سرمایه بیمه) بیمه عمر است.

به طور معمول، استفاده‌کنندگان، خواه وارثان قانونی زمان فوت شخص بیمه شده و خواه اشخاصی که نامشان از سوی بیمه‌گذار یا بیمه شده در بیمه‌نامه (یا برگه‌های الحاقی) قید شده باشد، کسانی هستند که در بستن قرارداد بیمه عمر نقش و دخالتی ندارند. بنابراین جز در مورد بیمه‌های عمر از نوع پس‌انداز (بیمه عمر در صورت حیات بیمه شده) که ممکن است بیمه شده و استفاده‌کننده، شخص بیمه‌گذار و بیمه شده باشد، در سایر موارد به ویژه در تمام انواع بیمه‌های عمر تأمین‌خطر فوت، استفاده‌کننده یا استفاده‌کنندگان اشخاص ثالثی هستند که از سرمایه بیمه عمر بهره‌مند می‌شوند. به شیوه‌ای که می‌دانیم، به طور اصولی اثر قراردادها متوجه عاقدان یا دو طرف عقد است ولی در این جا قانون اجازه می‌دهد که آثار قرارداد از عاقدان فراتر رود و بر اشخاص ثالث نیز تأثیرگذار باشد و حقوقی برای آنان ایجاد کند بدون آن که هرگز یک دین یا بدهکاری برایشان به وجود آورد. در واقع بیمه‌گذار ضمن بستن قرارداد با بیمه‌گر نظر او

را به پرداخت سرمایه بیمه در وجه ثالث استفاده کننده جلب می‌کند اما برای آن که حقوقی برای ثالث استفاده کننده ایجاد شود، رعایت دو نکته حقوقی ضروری بایسته است: نخست آن که با بستن قرارداد و قید استفاده کننده در سند بیمه، حقی که برای او ایجاد می‌شود منوط به اعلام قبولی اوست. آشکار است که اگر ثالث استفاده کننده پذیرش خود را اعلام ندارد (موافقت نکند) بیمه‌گذار حق حذف و عزل او را دارد. دوم آن که، ثالث استفاده کننده که این حقوق را می‌پذیرد مدعی و بستانکار بیمه‌گر می‌شود نه بیمه‌گذار.

موارد تعیین استفاده کننده و حذف و عزل او (محرومیت از مزایای بیمه) به شرح زیر است:

الف) تعیین استفاده کننده: تعیین استفاده کننده از سرمایه و مزایای بیمه عمر یکی از حقوق بنیادی و اصلی بیمه‌گذار است بنابراین بیمه‌گذار در اجرای این حقمندی خود می‌تواند هر کسی را که صلاح بداند به عنوان استفاده کننده از قرارداد بیمه عمر تعیین و اعلام کند تا در سند بیمه قید شود ولی رعایت دو شرط زیر ضروری است: نخست آن که بیمه‌گذار نمی‌تواند برخلاف نظم عمومی و اخلاق نیک جامعه استفاده کننده‌ای را تعیین کند که قانون آن را مجاز و روا نمی‌داند (موارد روابط نامشروع) دوم آن که، در بیمه عمر خطر فوت به سود ثالث، جلب رضایت نوشته شده شخص بیمه شده از ستونها درستی و اعتبار قانونی قرارداد بیمه است (بطلان قرارداد به علت فقدان رضایت کتبی بیمه شده).

قاعده کلی این است که استفاده کننده یا استفاده کنندگان از سرمایه بیمه قابل تعیین و شناسایی باشند تا بیمه‌گر بتواند به آسانی به تعهد خود در قبال آنان عمل کند. قید این که سرمایه بیمه به نسبت مساوی یا به نسبتهای مشخص شده میان استفاده کنندگان تقسیم و بخش شود، کار بیمه‌گران را آسان‌تر می‌سازد، استفاده کننده می‌تواند همسر قانونی، فرزندان، منسوبان و خویشان، شریکان بازرگانی در شرکت خانوادگی، جنین یا نوزادان قانونی باشند. می‌توان تعیین استفاده کنندگان را که از حقوق و اختیارهای آشکار بیمه‌گذار است، در پیوند میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار همچون یک کردار حقوقی یکسویه (ایقاع) به شمار آورد که تحقق آن موقوف به جلب موافقت بیمه‌گر نیست. تنها وظیفه بیمه‌گران قید استفاده کنندگان در شرایط خصوصی بیمه نامه یا در برگهای الحاقی پیوست بیمه نامه است. در صورتی که بیمه نامه به صورت حامل (بی نام) صادر شده باشد، بیمه‌گذار

می‌تواند از راه پشت نویسی، استفاده‌کننده را تعیین کند. به هر صورت بر پایه ماده ۲۵ قانون بیمه، بیمه‌گذار (بیمه‌شده) حق دارد ذی‌نفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد مگر آن که آن را به دیگری انتقال داده باشد. انتقال مزبور باید به امضای انتقال‌دهنده و بیمه‌گر برسد.... آثار قانونی انتقال وجه بیمه عمر از تاریخ فوت بیمه‌شده شروع می‌شود (ماده ۲۷ قانون بیمه) بحثی که پیش می‌آید حکم پیش‌بینی شده در ماده ۲۷ قانون بیمه است و آن این که به موجب ماده یاد شده «در تمام مدت اعتبار قرارداد بیمه عمر بیمه‌گذار حق دارد وجه معینه در بیمه‌نامه را به دیگری منتقل نماید...».

درست که تعیین استفاده‌کننده از مزایای بیمه (وجه معینه در بیمه‌نامه) از حقوق ویژه بیمه‌گذار (بیمه‌شده) است، اما اگر بیمه‌نامه عمر به عنوان وثیقه تنظیم شده و به نام وثیقه‌گیر بستانکار باشد، یا در بیمه‌نامه عمر، نام ثالثی به عنوان استفاده‌کننده قید شده و استفاده‌کننده پذیرش نوشته خود را اعلام کرده باشد، در این صورت حق ایجاد شده برای استفاده‌کننده را جز به دلایل موجه نمی‌توان ساقط و او را عزل کرد. از این جهت ماده ۲۷ ق-م بدون ابهام و اشکال نیست.

(ب) موارد حذف و عزل یا محرومیت استفاده‌کننده: از آن جا که تعیین استفاده‌کننده حق ویژه بیمه‌گذار است، تغییر، حذف یا عزل او نیز با رعایت ضابطه‌هایی از حقوق بیمه‌گذار است. اعلام قبولی استفاده‌کننده به طور قطعی برای او ایجاد حق می‌کند. بنابراین حذف و عزل استفاده‌کننده پیش از اعلام قبولی و پس از آن قابل بررسی است. تا هنگامی که استفاده‌کننده قبولی خود را اعلام نداشته باشد، اختیار عزل او با بیمه‌گذار است و این عزل می‌تواند به طور صریح یا ضمنی باشد. در عزل آشکار بیمه‌گذار اراده و گرایش خود را به حذف ثالث استفاده‌کننده، به طور نمونه از راه تعیین شخص دیگری به عنوان استفاده‌کننده، اعلام می‌دارد. این اقدام از راه فرستادن یک نامه عادی یا به وسیله وصیت‌نامه انجام می‌شود^(۱) اما در مواردی که بیمه‌گذار، به بازخرید بیمه‌نامه عمر خود اقدام می‌کند یا به علت ادامه ندادن به پرداخت اقساط حق بیمه، بیمه‌نامه عمر به سرمایه‌کاهش تبدیل می‌شود و یا به علت گرفتن وام روی اندوخته ریاضی، سرمایه بیمه‌کاهش می‌یابد، استفاده‌کننده به طور ضمنی و نسبی حذف و از دریافت مزایای بیمه محروم می‌شود.

۱. ژان لوک اویر، بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص، ترجمه دکتر محمود صالحی، بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۹.

به هر حال استفاده کننده‌ای که قبولی خود را اعلام داشته باشد صاحب حق به شمار می‌رود و این حق وارد دارایی او می‌شود و بیمه‌گذار تنها در موارد خاص اختیار عزل و محرومیت او را دارد عزل پس از اعلام قبولی استفاده کننده ممکن است به علت سوء قصد به جان بیمه شده باشد همچنین است در صورتی که اختصاص مزایای بیمه به ثالث استفاده کننده جنبه هبه و بخشش داشته باشد و هبه گیرنده ناسپاسی نشان دهد. در حالتی که بیمه‌گذار به هنگام بستن قرارداد بیمه فرزند نداشته باشد و پس از آن دارای فرزندی شود، حق دارد فرزند خود را به جای استفاده کننده پیشین، به عنوان استفاده کننده جدید تعیین کند. در مواردی که هر یک از زن و شوهر به علت درخواست طلاق و عدم سازش حاضر به ادامه زندگی مشترک خانوادگی نباشند، استفاده کننده حذف و از دریافت مزایای بیمه عمر محروم می‌شود. با این همه در برابر حقوق ویژه بیمه‌گذار در مورد تعیین یا حذف و عزل استفاده کننده، پشتیبانی از حقوق استفاده کننده نیز مسأله‌ای شایان بحث و بررسی است. اعلام قبولی استفاده کننده خواه به طور صریح و خواه به طور ضمنی دارای آثار حقوقی است. آثار اعلام قبولی در هر دو صورت موجب ایجاد حق برای استفاده کننده و وارد دارایی او می‌شود بدین معنا که قبول استفاده کننده به منزله بستنکار شدن و صاحب حق شدن استفاده کننده در برابر شرکت بیمه است و نه در برابر بیمه‌گذار. نتیجه این امر آن است که سرمایه بیمه یا مستمری بیمه عمر به طور مستقیم وارد دارایی استفاده کننده می‌شود و از نظر ضابطه‌های مالیاتی نیز غرامت فوت یا سرمایه بیمه در صورت فوت از پرداخت مالیات بخشوده است مگر آن که محرز و ثابت شود که بستن قرارداد بیمه عمر و تعیین استفاده کننده از روی سوء نیت و به قصد تقلب مالیاتی بوده باشد.

استفاده کننده و وارثان قانونی

برابر ماده ۲۴ قانون بیمه «وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخت شود به ورثه قانونی پرداخته می‌شود مگر آن که در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد ...» بر پایه این دستور، در زمینه بیمه عمر خطر فوت، استفاده کنندگان از سرمایه بیمه در صورت فوت بیمه شده، وارثان قانونی زمان فوت او خواهند بود با این همه قانونگذار برای پاسخگویی به نیازها و احتمالات و احترام به حق اختصاصی بیمه‌گذار (بیمه شده) در تعیین استفاده کنندگان، اختیار تعیین و انتخاب استفاده کنندگان

را به بیمه‌گذار (بیمه شده) واگذار کرده است. او می‌تواند به هنگام بستن قرارداد بیمه یا پس از آن، استفاده کنندگان را تعیین و به بیمه‌گر اعلام کند تا در سند بیمه نامه یا برگ الحاقی (پیوست بیمه نامه) نام و ویژگیهای آنان نوشته و تأیید شود.

در بیمه عمر در صورت هستی و حیات بیمه شده، به طور اصولی و معمول، استفاده کننده شخص بیمه شده است با این همه ممکن است بیمه شده خواسته باشد که در پایان مدت بیمه نامه، سرمایه معینی در اختیار شخص مورد علاقه یا زیر سرپرستی او یا شخص طرف معامله (بستانکار) او قرار گیرد. در این حالت، قید نام استفاده کننده ضروری است و اگر بیمه نامه بدون نام (به صورت حامل) صادر شده باشد، مزایای بیمه با پشت نویسی بیمه نامه و تسلیم آن به انتقال گیرنده واگذار خواهد شد به هر صورت در حالت تغییر استفاده کنندگان از مزایای بیمه نامه بند ۲ از ماده ۱۱ شرایط عمومی (همگانی) بیمه نامه عمر مورد عمل شرکت‌های بیمه در ایران، می‌گوید: «بیمه‌گذار موظف است مراتب را کتباً با ذکر نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه هر یک از استفاده کنندگان بیمه به بیمه‌گر اطلاع دهد» آشکار است که بیمه‌گر، نیز وظیفه دارد که این اعلام تغییر در بیمه نامه را با صدور برگ الحاقی تأیید و به آگاهی بیمه‌گذار برساند.

درباره تفاوت تعیین استفاده کننده و حقوق و وضعیت وارثان در بیمه‌های عمر خطر فوت دو نکته شایان بحث و بررسی است:

الف) کاهش سهم وارثان در نتیجه تعیین استفاده کنندگان غیر وارث در صورتی که موجب ضرر و لطمه به حقوق قانونی آنان باشد یا این که هبه‌ها و دهشها یا وصیت‌های بیمه شده موجب کاهش سهم وارثان شود، می‌توان این گونه زیانها یا کاهش حقوق وارثان را تعدیل کرد بدین معنا که مورث تا میزانی که در زمان حیات خود حق دارد از دارایی خود به دیگران ببخشد (به طور نمونه تا یک سوم دارایی) هبه یا وصیت او اشکالی ندارد اما بیشتر از آن تا تأمین سهم قانونی وارثان کاهش پیدا می‌کند و به سود وارثان تعدیل می‌شود.

ب) تعیین سهم وارثان (یا استفاده کنندگان قانونی) به طور الزامی پیرو قانون ارث نیست و بیمه شده می‌تواند سهم وارثان خود را، چه فرزند دختر و چه فرزند پسر باشد، به طور برابر و مساوی تعیین کند (در مورد همسر (زن) نیز این قاعده جاری است) دلیل این ترتیب آن است که سرمایه بیمه عمر هیچ‌گاه بخشی از دارایی بیمه‌گذار یا بیمه شده به شمار نمی‌رود تا مشمول قانون ارث باشد.

در واقع بیمه‌گذار در زمان حیات خود فاقد چنین دارایی می‌بوده است که آن را انتقال دهد و تنها پس از فوت او، حق دریافت غرامت (سرمایه بیمه یا غرامت و خسارتهای بیمه‌ای دیگر) متعلق به اشخاص استفاده‌کننده (خواه وارثان و خواه ثالث) است و به همین دلیل نیز سرمایه بیمه عمر خطر فوت و خسارتهای دریافتی زیان دیدگان از حوادث، از شمول مالیات بخشوده است و مالیاتی به آن تعلق نمی‌گیرد. این دریافتها و برداشتهای حقوقی متکی بر یک عرف و اصل جهانی حاکم بر نهاد بیمه است که به منظور گسترش تأمین و رفاه اجتماعی معمول و استوار شده است و به همین جهت قانون بیمه ایران، مصوب ۱۳۱۶ و قانون بیمه اجباری شخص ثالث، مصوب دی ۱۳۴۷ و سایر ضوابط بیمه‌ای مورد عمل بیمه‌گران ایران، در جهت تحقق این آماج تأمینگری، سرمایه بیمه عمر در صورت فوت بیمه شده را متعلق به استفاده‌کنندگانی می‌دانند که بیمه‌گذار یا بیمه شده در زمان هستی خود تعیین کرده است. همچنین در بیمه حوادث اشخاص و بیمه اجباری شخص ثالث و وسایل نقلیه موتوری زمینی، خسارتهای متعلق به زیان دیدگان، پیرو قانون مدنی در زمینه ارث نیست. اهمیت و تقدم این «حق تأمین» تا به آن جاست که سرمایه بیمه عمر یا خسارت دریافتی زیان دیدگان بابت اجرای ضابطه‌های بیمه‌ای، قابل توقیف نیست و در صورت فوت بیمه شده ورشکسته، بستانکاران او نمی‌توانند از دادگاه درخواست توقیف آن را بکنند زیرا که سرمایه بیمه هرگز بخشی از دارایی بدهکار آنان نیست.

بیمه‌گر متعهد است و وظیفه دارد که بر پایه شرایط و ضابطه‌های بیمه‌ای، سرمایه بیمه عمر یا خسارت زیان دیدگان را به اشخاص حقمند (استفاده‌کنندگان از بیمه نامه) بپردازد.

بیمه عمر و تأمین و بهبود حقوق زنان

سهم ارث همسران زن، بنا بر قانون مدنی ایران در زمینه ارث عبارتند از:

۱. از دارایی غیر منقول مانند اموال مغازه و باغ، زن (همسر) تنها از بهای اعیانی (نه عرصه = زمین) ارث می‌برد بدین معنا که اگر خانه‌ای از شوهر متوفی به ارث بماند، تمام بهای عرصه (ششدانگ) متعلق به فرزندان و بهای ششدانگ اعیانی (ساختمان) (حدود یک دانگ و نیم) سهم همسر خواهد بود.

۲. سهم زن از داراییهای منقول گاهی یک چهارم و گاهی یک هشتم است. و اگر

همسر زن تنها وارث شخص متوفا باشد، سهم او از ارث یک چهارم و بقیه دارایی شوهر فوت شده متعلق به دولت است. اینها مقرراتی است که در درازنای زمان به طور سنتی و شرعی وارد حقوق مدنی و شهروندی ما شده و مورد عمل حکومتها و پذیرش زنان مسلمان ایرانی است. نهاد بیمه، بدون آن که لطمه‌ای به این مقررات بزند، می‌تواند در جهت بهبود و تکمیل و تأمین بیشتر این حقوق سنتی سودمند واقع شود. بدین معنا که بیمه‌گذار یا بیمه شده، با خرید یک بیمه نامه عمر و حوادث یا بازنشستگی به نفع همسر خود می‌تواند در راه تحقق «حق تأمین» که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی (اصل بیست و نهم) یک «حق همگانی» شناخته شده گام بردارد.

نتیجه‌گیری

به شیوه‌ای که در بحث و بررسی خود مشاهده کردیم، در گذشته شرط به سود ثالث، یک شرط ضمن عقد بود. که در حقوق ما جنبه فرعی و استثنایی داشت ولی بر اثر تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و آمدن ماشینیسیم به ایران، روابط و پیوندهای حقوقی ناگزیر دگرگون شدند و شرط ضمن عقد و فرعی (به سود ثالث) از حالت استثنا به در آمد و به یک قاعده حقوقی تبدیل شد (تبدیل استثنا به قاعده). زمینه سازی این تحول حقوقی را قانون بیمه (مواد ۴، ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷) فراهم کرد و بعدها تصویب قانون مسوولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ و از همه مهم‌تر تصویب قانون بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، در سال ۱۳۴۷، این روند تحول حقوقی را سرعت و وسعت بخشید، به طوری که اکنون جامعه ما از حیث اصول و ضوابط حقوقی در زمینه مسائل مسوولیت مدنی ناشی از حوادث کار و رانندگی، با جامعه‌های پیشرفته رقابت می‌کند. این پیشرفت و تحول حقوقی «حق مکتسبی» است که مردم ما ضمن سالها مبارزه حق خواهانه خود به دست آورده‌اند و دریغ است که این حرکت و پیمایش و جنبش جلو رونده، با اعمال برخی بینشها و نگرشهای پی‌ورزانه و گذشته‌گرایانه دچار رکود و توقف شود ...

افزون بر این تحول حقوقی حاصل در حقوق ایران در جهت تسهیل تأمین و تضمین حقوق زیان دیدگان از حوادث رانندگی، یادآوری می‌کنیم که گسترش بیمه مسوولیت مدنی به سود ثالث موجب گسترش و ارتقای سطح «فرهنگ بیمه» در ایران شده و این امر «بازار بیمه» را نیز تکان داده و در مسیری جلو رونده قرار داده است. گواه و مؤید این

مدعا، تازه‌ترین آمار و ارقامی است که در شماره ۱۴۶ یک بیمه نشریه بیمه مرکزی ایران دیده می‌شود. طبق آمار یاد شده، در سال ۱۳۷۸ شرکتهای بیمه در ایران، بیش از سه هزار میلیارد ریال حق بیمه از بیمه‌گذاران خود در رشته‌های مختلف دریافت داشته‌اند که از این مبلغ بیشترین سهم مربوط به بیمه مسوولیت مدنی ناشی از حوادث وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث است. سهم حق بیمه این رشته «پیلوت» و پشتاز ۲۹/۸ درصد از کل حق بیمه‌های صادر شده در بازار بیمه ایران است. بی‌گمان با اجرای کامل این نوع بیمه حمایتی و عدالتی و فراگیری آن در سطح کشور، می‌توان انتظار داشت که بیمه‌های اشخاص (به ویژه بیمه حوادث اشخاص و بیمه عمر) نیز به رشد و گسترش درخور جامعه ما برسند.

منابع

۱. خزائی، محمد. مسوولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر.
۲. دورانت، ویل. تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۳. شایگان، علی. حقوق مدنی، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. علی آبادی، ایرج. «قانون بیمه شخص ثالث و صندوق تأمین خسارتهای بدنی»، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، شماره ۳، ۱۳۶۶.
۵. مهر، فرهنگ. گزارش و طرح قانون بیمه اجباری شخص ثالث وسایل نقلیه موتوری زمینی، شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۳۴۵.
۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸.
۷. قانون بیمه، ۱۳۱۶.
۸. قانون بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، ۱۳۴۷.
۹. قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۰. قانون مدنی، ۱۳۰۷-۱۳۱۴.
۱۱. کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی - مسوولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۱۲. محمودصالحی، جانعلی. حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی